

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

بایدن نباید در چاه نتانیاهو بیفتد

ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در مورد حمله انتقامی احتمالی ایران در واکنش به حمله اسرائیل به تأسیسات دیپلماتیک ایران در دمشق هشدار داده‌اند. رئیس‌جمهور آمریکا بار دیگر نسبت به حمایت «بولادین» آمریکا از اسرائیل در صورت واکنش ایران اطمینان داده است و ژنرال اریک کوربلا، فرمانده سنتکام، روز پنج‌شنبه به اسرائیل سفر کرد تا در خصوص حمله احتمالی بارهبران اسرائیل هماهنگ شود. دولت آمریکا در مسیر غلطی حرکت می‌کند. ایالات متحده باید خود را از حمله غیرمشروع اسرائیل دور نگه دارد اما به جای آن دولت بایدن در جهتی حرکت می‌کند که از نتانیاهو در مقابل نتایج اقدام خودش محافظت کند. بیش از یک دهه است که نیروهای اسرائیلی به نیروهای ایرانی و دیگر اهداف در سوریه حمله می‌کنند، اما حمله به کنسول‌گری ایران در دمشق از دو جنبه تنش‌ها را به شکل قابل توجهی تشدید کرد: هم از نظر محلی که حمله به آن انجام شد و هم از نظر جایگاه افسرانی که به قتل رسیدند. به نظر می‌رسد دولت اسرائیل قصد دارد ایران را تحریک کند تا واکنشی نظامی نشان دهد تا بتواند توجه‌ها را از کشتار و خطئی در غزه دور نگه دارد و ایالات متحده را به دامی بیاندازد که وارد یک نبرد شود. رئیس‌جمهور آمریکا با گام ندادن داوطلبانه در این دام، کار را برای نخست‌وزیر اسرائیل بسیار ساده‌تر کرده است. ایالات متحده به دلیل اقدام‌های بی‌ملاحظه دولت نتانیاهو و حمایت مستمر رئیس‌جمهور آمریکا از او به شدت در خطر مواجهه مستقیم با ایران قرار گرفته است. چنین وضعیتی منافع مشروع آمریکا را تأمین نمی‌کند. ایالات متحده آمریکا توانایی مداخله در یک جنگ جدید در خاورمیانه را ندارد و هواداری از اسرائیل باعث شده است که نیروهای آمریکایی در خطری قابل ملاحظه و غیرضروری قرار بگیرند. آمریکا هیچ تعهدی ندارد که در صورت واکنش انتقامی ایران به دفاع از اسرائیل بر خیزد و رئیس‌جمهور آمریکا این اختیار را ندارد که ایالات متحده را وارد نبرد به نفع یک کشور دیگر کند به‌ویژه اگر این کشور از طریق یک پیمان متحد آمریکا نباشد. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا هفته گذشته گفت که ایالات متحده «هر کاری برای محافظت از امنیت اسرائیل» انجام می‌دهد، اما این واکنش قوری در شرایط کنونی غلط بود. چرا ایالات متحده خودش را در موقعیتی گیر می‌اندازد که مجبور به حفاظت از کشوری باشد که به اندازه کافی برای دفاع از خودش توانایی دارد؟ این یک تعهد غیرضروری و انتخابی غیرعقلانه است. چنین اقدامی می‌تواند باعث وقوع جنگ منطقه‌ای شود که دولت کنونی آمریکا بارها گفته‌بود می‌خواهد از آن اجتناب کند و در واقع هدیه‌ای به نتانیاهو در قبال اقدام‌های بی‌اغبانه‌اش محسوب می‌شود.

نیروهای آمریکایی تاکنون باهار به دلیل حمایت دولت از جنگ غزه تحت حمله قرار گرفته‌اند. در طول شش ماه گذشته واکنش آمریکا به جنگ در غزه به حیثیت این کشور ضربه جدی زده است. تعهد به حفاظت از اسرائیل در حالی که جنگ غزه ادامه دارد بر روی خطاهای قبلی انباشته می‌شود و حتی می‌تواند بیش از پیش بر تصویر کشور ما در جامعه جهانی اثر بگذارد. گزارش شده است که نهاد‌های اطلاعاتی آمریکا هشدار داده‌اند واکنش ایران به‌زودی اتفاق می‌افتد. هنوز مشخص نیست که واکنش ایران در چه قالبی باشد اما خیلی بعید است که دولت ایران گزینه پاسخ ندادن به حمله‌ای چنین بی‌پروا را انتخاب کند. این واکنش می‌تواند مانند واکنش ایران به ترور قاسم سلیمانی توسط آمریکا در سال ۲۰۲۰ از طریق حمله موشکی از خاک ایران باشد یا اینکه می‌تواند شامل مجموعه‌ای از حملات راکتی و موشکی توسط گروه‌های نیابتی ایران باشد، واکنش هر آنچه باشد، ایالات متحده باید خودش را از این منازعه دور نگه دارد. آمریکا حتی نباید یک تگ پا برای کمک به دولتی در اسرائیل بردارد که خودش اقدامی برای تحریک این نبرد انجام داده است. جنگ غزه رنگ هشداری برای روابط بولادین ایالات متحده با اسرائیل بود که نشان داد این روابط چه بار اضاف‌ای بر دوش منافع آمریکا هستند. منافع اسرائیل و آمریکا دهه‌هاست که در حال دور شدن از یکدیگر هستند، اما آمریکا هنوز نتوانسته است این موضوع را درک کند. تصویر رئیس‌جمهور آمریکا از روابط با اسرائیل در قرن گذشته باقی مانده است، باید سیاست خارجی آمریکا به‌روز رسانی و با واقعیت‌های کنونی خاورمیانه همگام شود.

دیپلماسی
DIPLOMACY

پرونده‌های مفتوح

ارزیابی کارشناسان از سال پر مشغله‌ای که دستگاه دیپلماسی ایران پیش رو دارد



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

سال ۱۴۰۲ در حالی به پایان رسید که چندین پرونده مفتوح روی میز دستگاه دیپلماسی مانده است؛ از پرونده تعطیلی سفارت آذربایجان که از سال ۱۴۰۱ به سال گذشته رسید و به رغم تلاش‌های نهادهای مختلف کشور، همچنان با هیچ تحول جدیدی مواجه نشده است تا مسئله حقایق هیرمند که با بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان، ابعاد جدیدی به خود گرفته است. از روابط تازه از سرگرفته شده با عربستان سعودی که مسئله لغو پروازهای حج عمره نشان داد ماه عسل کوتاهش به پایان رسیده، پرونده همچنان باز پادمانی و سرنوشت نامعلوم برجام و رابطه با غرب؛ و تنش مرزی با پاکستان و ناامن شدن بیش از پیش سرحدات شرقی و از همه مهم‌تر، پرونده مدیریت بحران خاورمیانه که از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهرماه سال گذشته) آغاز شد و حال با حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق، از وزارت امور خارجه تا تمامی نهادهای موازی متولی سیاست خارجی کشور را به خود مشغول کرده است، همه و همه پرونده‌هایی هستند که بر روی میز دستگاه سیاست خارجی ایران تلنبار شده است و با فرمان در پیش گرفته شده، برای مختومه شدن برخی، شاید تنها یک کورسوی امید قابل تصور باشد.

رابطه‌ای بر لبه تیغ

ساعت ۸ صبح جمعه هفتم بهمن‌ماه ۱۴۰۱، یک مهاجم مسلح به نام «یاسین حسین‌زاده» به سفارتخانه جمهوری آذربایجان در تهران حمله کرد که در این حادثه یک نفر کشته و دوف نفر مجروح شدند. اندکی پس از تیراندازی فرد مسلح، رئیس پلیس پایتخت اعلام کرد که با سرعت عمل پلیس، فرد مهاجم بلافاصله دستگیر شد. با بازجویی از این فرد ضارب مشخص شد او با انگیزه شخصی و با تصور اینکه همسرش در داخل سفارت است، به این محل هجوم آورده است. مقام‌های ارشد جمهوری آذربایجان به سرعت این واقعه را محکوم کردند و در کمتر از ۲۴ ساعت سفارت باکودر تهران تخلیه و تعطیل شد.

حادثه رخ داده در سفارت هرچند به نقطه عطفی در روابط تهران-باکو تبدیل و آن را وارد مرحله جدیدی کرد اما این مرحله جدیدمقدماتی داشت که از ماه‌های پیش از آن و پس از جنگ دوم قره‌باغ و آغاز مقدمات اجرای پروژه احداث دالان موسوم به زنگزور آغاز شده بود که به جهت تغییر در مرزهای شمالی ایران، واکنش تهران را به همراه داشت. همچنین موضوع قابل توجه در روابط ایران با جمهوری آذربایجان که در ماه‌های پیش از واقعه سفارت نمود علنی‌تری پیدا کرده و تهران صراحتاً در خصوص آن به باکو هشدار داده بود، تعمیق و گسترش روابط این کشور با تل‌آویو بود. حضور گسترده و علنی شرکت‌های اسرائیلی در جمهوری آذربایجان و تصمیم باکو برای بازگشایی سفارت در اسرائیل در برهه‌ای که روابط این کشور با ایران در سرآغاز تنش‌ی بی‌سابقه بود، موجب شد تا مقامات جمهوری اسلامی بارها در سخنان‌شان نسبت به این تصمیم همسایه شمالی واکنش نشان دهند. در نهایت و در تاریخ ۹ فروردین ۱۴۰۲، الی کوهن، وزیر امور خارجه اسرائیل در حساب توئیتر خود نوشت: «خبر تاریخی! در حال حاضر میزان وزیر امور خارجه آذربایجان در وزارت امور خارجه هستم» در جریان سفر جیحون بایراموف به اسرائیل، سفارت این کشور به‌صورت رسمی در تل‌آویو افتتاح شد. همچنین سخنان الی کوهن مبنی بر تشکیل «جبهه متحد علیه ایران» در جریان دیدار با همتای آذربایجانی، واکنش ایران را به همراه داشت و سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان غواستر توضیح مقامات جمهوری آذربایجان شد. امروز و در حالی که آذربایجان همچنان بر تعمیق روابط خود با اسرائیل و تجاوزهای توسعه‌طلبانه خود به سمت مرز با ارمنستان ادامه می‌دهد و هیچ مانعی را نیز در مسیر خود متصور نیست، ایران تنها در تلاش است تا با عادی‌سازی روابط و بازگشایی سفارت آذربایجان، سفیر جدید خود را که با توجه به تحولات سال گذشته نتوانست اگر مان خود را از دولت باکو دریافت کند، راهی این کشور کند. محسن پاک‌آیین، سفیر پیشین ایران در آذربایجان در خصوص تحولات پیرامون روابط تهران-باکو گفت: «پس از آن اتفاق در تهران مربوط به حمله یک فرد به سفارت آذربایجان، باکو کادر دیپلماتیک خود را از ایران خارج کرد و نوعی سردی در روابط حاکم شد. مطالبه آذری‌ها این بود که می‌بایست این فرد ضارب محاکمه و مجازات شود و بازگشت کادر دیپلماتیک را وایسته به این امر دانستند. با توجه به اینکه موضوع قتل بود و مواردی مانند قتل که منتهی به قصاص می‌شود، پروسه قضایی زمانبری است و برای مثال حکم ضارب حمله به شاه‌چراغ نیز به‌رغم ادله محکم تقریباً پس از یک‌سال اجرایی شد. ما این راه دوستان آذربایجانی گفتیم و اعلام کردیم این پرونده روند درست خود را طی می‌کند و قوه قضائیه این موضوع را به صورت عادلانه

نظر
خواهی

نگار: تسنیم

متقابل دولت اسلام‌آباد در هدف قرار دادن خاک کشورمان که در نتیجه آن برای نخستین بار پس از پایان جنگ تحمیلی، خاک ایران مورد اصابت موشک قرار گرفت، رفع و سفرها به محل مأموریت خود بازگشتند اما علت‌العلل آنچه میان دو همسایه پیش آمد نه‌تنها به قوت خود باقی ماند که تعداد و حجم کشتار عملیات یافته است و بر شمار مرزبانان شهید خاک پاکستان، روزبه‌روز افزایش یافته است و بر شمار مرزبانان شهید کشورمان افزوده شده است. در تازه‌ترین حمله تروریستی به مرز شرقی کشورمان، به‌دنبال حمله تروریستی به ۲ شهرستان چابهار وراسک که در ساعات اولیه بامداد پنج‌شنبه ۱۶ فروردین‌ماه صورت گرفت، ۱۶ تن از اعضای نیروهای مسلح کشورمان شامل ۱۲ عضو از سپاه پاسداران و ۴ عضو از نیروی انتظامی به شهادت رسیدند. این اقدام تروریستی اما تاکنون نه‌تنها واکنشی نظامی و عملی را از سوی ایران به همراه نداشته بلکه احمد وحیدی انگشت اتهام را به سمت اسرائیل نشانه گرفت و روز ۱۸ فروردین‌ماه گفت: «این تروریست‌ها اجاره‌ای هستند و اساساً کسانی که اخبار این‌ها را پوشش می‌دادند، صفحات رژیم صهیونیستی بود و خبرهایی که جیش‌الظلم منتشر می‌کرد هم‌زمان توسط صفحات مرتبط با رژیم صهیونیستی پوشش داده می‌شد، تمام این‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مورد هدایت و حمایت رژیم صهیونیستی است،» هرچند ایران و پاکستان یک توافق امنیتی برای موضوع مرزهای ناامن خود روی میز دارند اما به‌نظر می‌رسد که اسلام‌آباد اراده‌ای برای اجرایی شدن آن دو دستگاه دیپلماتی ایران نیز اولویتی برای پیگیری آن ندارد تا مرز شرقی کشور به‌رغم آنچه هیچ‌گاه از بُعد امنیتی، اهمیت هم‌سطح مرزهای غربی نداشته است، حالا به تریلتان‌ترین مرز کشور از لحاظ حجم شهدای مرزبان تبدیل شود. پیرمحمد ملازهی، کارشناس مسائل شبه‌قاره در تحلیل تحولات اخیر میان تهران و اسلام‌آباد گفت: «اگر بخواهیم براساس واقعیت‌ها تحلیل داشته‌باشیم، حرکتی که ایران در هدف قرار دادن موضوعی در خاک پاکستان صورت داد، بلافاصله با واکنش ارتش پاکستان مواجه شد و آن‌ها هم سرراوان را هدف قرار دادند و هر دو هم مدعی این مسئله بودند که مقرر مخالفین خود را هدف قرار داده‌اند؛ به این معنا که پاکستان مدعی بود مقرر جبه آزادی‌بخش پاکستان و ارتش آزاد را زده و ایران هم مدعی هدف قرار دادن گروهک جیش‌العدل بود. حال اگر واقعیت را بخواهیم، جبهه خلق بلوچ دارای پایگاه در سرراون ایران نیست مگر آنکه تصور کنیم دستگاه‌های امنیتی ایران آنقدر ضعیف هستند که نمی‌دانند چنین گروهی در خاکش حضور دارد یا می‌داند و با این گروه علیه اسلام‌آباد همکاری دارد. بنابراین حقیقت این است که دو کشور براساس ذهنیت خاص خود و نه حقیقت فضاتو کردند. بنابراین یک اختلاف نظری میان ایران و پاکستان از ادراک غلط ناشی می‌شود اما در عین حال اسلام‌آباد این پیام را نیز به تهران داد که حاضر به پذیرش این مسئله نیستند که کشوری علیه‌شان عملیات نظامی صورت دهد و بی‌پاسخ بماند. بخش پیچیده‌تر ماجرا اما استقرار جریان رادیکالی در منطقه است که منحصر به‌مرز ایران و پاکستان نیست و حالا در ارتباط با داعش خراسان فعال شده است؛ در نتیجه معتقدم سیاست ایران در این حوزه خیلی هوشیارانه نیست و البته بخش مهمی از مسائل سیستمات و بلوچستان وابسته به سیاست داخلی کشور است و همه چالش‌ها را نمی‌توان به موضوعات خارجی مرتبط بدانیم.» این تحلیلگر مسائل پاکستان در پاسخ به این سوال که آیا آنچه به‌عنوان تنش کوتاه‌مدت میان ایران و پاکستان صورت گرفت، به‌سادگی آنچه از سوی دو کشور تصویر شد، به پایان رسیده است یا آنگونه که تحلیلگران در خصوص تبعات این تحول خاص با توجه به پیچیدگی ساختار قدرت در پاکستان نسبت به آن هشداد می‌دهند، فرضیه درستی است و آیا می‌توان گفت که عملیات تروریستی اخیر پیام اسلام‌آباد برای تهران بود؟ گفت: «دو نکته در این بحث وجود دارد: نخست اینکه اگر شما تصور کنید که پاکستانی‌ها با ایران صادفانه رفتار می‌کنند، بر پیچیدگی‌های ارتش و دستگاه اطلاعاتی این کشور شناختی ندارید، معتقدم اسلام‌آباد رندانه با تهران برخورد می‌کند. با این حال اگر فکر کنید که جیش‌العدل صدرصد تحت فرمان پاکستان است، درست نیست ولی واقعیت این است که این گروه به بازیگری جدی تبدیل شده و با جریاناتی همچون تحریک طالبان پاکستان پیوند خورده است که دولت اسلام‌آباد را نیز تحت فشار قرار داده است. حقیقت این است که مسائل بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که به تصویر کشیده می‌شود و ایران متأسفانه تنها با نگاه صرف نظامی و امنیتی اشرافی به این مسائل ندارد.»

پایان ماه عسل

۱۹ اسفندماه سال ۱۴۰۱، امضای توافق ازسرگیری روابط ایران و عربستان سعودی در چین و متعاقب آن دیدار ۱۷ فروردین ۱۴۰۲ حسین امیرعبداللّه‌یان و فیصل بن فرحان، وزرای امور خارجه دو

پیگیری می‌کند. پس از صحبت‌هایی که میان دو کشور صورت گرفت و به‌ویژه پس از سفر آقای امیرعبداللّه‌یان به باکو برای شرکت در اجلاس وزرای خارجه جنبش عدم تعهد و دیدار با آقای علی‌اف، خروج روابط از سردی سرعت بیشتری گرفت و با وجود اینکه سفارت در تهران بازگشایی نشد اما در حوزه‌های مختلفی به‌خصوص در موضوع حمل و نقل کارهای خونی صورت گرفت و برای مثال پل آستاراچای بر روی رودخانه ارس افتتاح شد که اقدام مهمی بود. همچنین جمهوری آذربایجان در نهایت تصمیم گرفت ارتباطش را با نخجوان از طریق ایران عملی کند و به همین منظور ساخت یک خط ریلی را با هزینه خودش کلید زد و کار آغاز شد و رؤسای کمیسیون مشترک ایران و آذربایجان دیدارهایی را با هم داشتند و قرار است به‌زودی در شهر خداآفرین، سد مشترک ایران و آذربایجان و نیروگاه دو کشور افتتاح شود؛ لذا روند روابط به‌رغم همه مشکلات، سیر مثبتی را دنبال کرد و در عین حال قوه قضائیه هم تبادلات خوبی با دستگاه قضایی آذربایجان در خصوص پرونده داشت. حال نیز با توجه به آنچه اعلام شده، حکم ضارب به‌زودی صادر و اجرایی می‌شود. آذربایجان نیز یک هیئت مقدماتی را برای بازگشایی سفارت از سه هفته قبل به ایران اعزام کرده است و به نظر می‌رسد پس از اجرای حکم، سفیر آذربایجان به ایران باز خواهد گشت و با پایان سفارت ۵ ساله آقای موسوی، سفیر ما در باکو که در این سال‌ها تلاش بسیاری را برای روابط دو جانبه صورت داده، به تهران بازگردد و سفیر جدید راهی آذربایجان شود.» این کارشناس مسائل قفقاز و آذربایجان همچنین در پاسخ به این سوال که هرچند مسئله حمله به سفارت نقطه مهمی در تنش میان دو کشور بود اما این تنش از ۱۸ ماه قبل از آن و با موضوعاتی همچون ادعاهای ارضی آذربایجان علیه ارمنستان و حضور گسترده شرکت‌های اسرائیلی در این کشور میان تهران و باکو جریان داشت. آیا با ازسرگیری فعالیت دیپلماتیک آذربایجان در ایران همچنان این موضوعات به‌عنوان چالش روابط دو جانبه وجود خواهد داشت؟ گفت: «در موضوع اول و مسئله ادعای تاریخی جمهوری آذربایجان در قبال استان سیونیک ارمنستان که موجب واکنش ایران شد و به دوستان آذربایجانی عرض کردیم مخالف تغییر مرزهای جغرافیایی هستیم، در نهایت موجب شد مسئله ایجاد دالان زنگزور و عبور از استان سیونیک برای دسترسی به نخجوان از دستور کار باکو خارج شود و از مسیر داخل ایران استفاده شود و این مسئله پایان یافته است. لذا در شرایط موجود، این موضوع دیگر به‌عنوان چالشی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان وجود ندارد. با این حال مسئله حضور رژیم صهیونیستی همواره موضوعی مشترک میان تهران و باکو بوده و ما بارها اعلام کرده‌ایم که اسرائیل را دوست ملت‌های مسلمان نمی‌دانیم؛ به‌ویژه در مقطع فعلی که نسل‌کشی و جنایت در حال وقوع است، انتظار داریم کشورهای مسلمان روابط خود را با اسرائیل کاهش داده و ارتباطات تجاری را متوقف کنند. لذا این موضوع بین دو کشور مطرح است و ما در مذاکراتی که داریم معمولاً این موضوع را مطرح می‌کنیم؛ هرچند آن‌ها هم این اطمینان را می‌دهند که اجازه نخواهند داد اسرائیل از خاک و فضای این کشور علیه ایران اقدامی صورت دهد. در عین حال ما هم فعالیت رژیم صهیونیستی را رصد می‌کنیم و اجازه نخواهیم داد اتفاقی صورت دهد. با این حال حضور رژیم صهیونیستی در یک کشور مسلمان در وهله اول موجب خدشه‌دار شدن وجهه جمهوری آذربایجان به‌خصوص در مقطع فعلی شده و همان‌طور که در مقطعی در جنگ جهانی، هم‌پیمانان هیتلر مورد نگاهش جامعه جهانی قرار گرفتند، در آینده نیز هم‌پیمانان رژیم صهیونیستی مورد انتقاد قرار بگیرند و منورزی شوند؛ امیدواریم آذربایجان به این مسئله هم توجه کند.»

یک مرز به غایت ناامن

۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۲، یک تحول مهم، روابط ایران با همسایه شرقی خود را دست‌خوش یک تنش ناگهانی کرد؛ چرا که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته بودند تا برای اولین بار در واکنش به اقدامات گروهک تروریستی موسوم به «جیش‌العدل» و انتقام شهادت ۱۱ پرسنل انتظامی در حمله تروریستی به پایگاه پلیس راسک، مواضع این گروه را بی‌اطلاع دولت پاکستان، در خاک این کشور هدف قرار دهند. این حملات که یک روز پس از حملات موشکی سپاه پاسداران به اهدافی در عراق و سوریه صورت گرفته و خشم دولت بغداد را نیز برانگیخته بود، موجب شد تا تهران در موقعیت حساسی خصوصاً با دو همسایه مهم خود قرار گرفته و در حالی که همسایه غربی، تهدید به شکایت در شورای امنیت سازمان ملل کرده بود، همسایه شرقی نیز ضمن فراخواندن سفیر جدید خود در ایران، اعلام کرد که با اطلاع بعدی حاضر به پذیرش بازگشت سفیر ایران در این کشور که برای مأموریتی عازم استان سیستان و بلوچستان شده بود، نخواهد بود. تنش فی‌مابین با تلاش دستگاه دیپلماسی و البته اقدام



محسن پاک‌آیین:

مسئله حضور رژیم صهیونیستی همواره موضوعی مشترک میان تهران و باکو بوده و ما بارها اعلام کرده‌ایم که اسرائیل را دوست ملت‌های مسلمان نمی‌دانیم



پیرمحمد ملازهی:

اگر شما تصور کنید که پاکستانی‌ها با ایران صادفانه رفتار می‌کنند، بر پیچیدگی‌های ارتش و دستگاه اطلاعاتی این کشور شناختی ندارید